

مطالعه تطبیقی سیاست‌های حمایتی محصولات باغی در ایران و کشورهای منتخب

در بین محصولات کشاورزی، محصولات باغی کشور با در اختیار داشتن ۲/۶ میلیون هکتار سطح زیر کشت، و میزان تولید ۱۳/۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۷، بیش از ۲۵ درصد ارزش افزوده محصولات کشاورزی کشور، و ۳۰ درصد اشتغال بخش کشاورزی را به خود اختصاص داده است. همچنین، ۸۰ درصد ارزش صادرات کشاورزی ایران مربوط به محصولات باغی همچون پسته، خرما، بادام، انگور و سیب می‌باشد. با این حال، میزان حمایت از این محصولات همانند سایر محصولات کشاورزی پایین بوده و در سال‌های اخیر، در مورد برخی محصولات همچون خرما، کاهش یافته است. همچنین، هزینه‌های تولید بالا و کیفیت پایین محصولات باغی، سبب کاهش قدرت رقابتی محصولات باغی ایران در بازارهای داخلی و جهانی شده است. از این رو، مزیت نسبی صادرات آن‌ها در بازارهای جهانی از بین رفته است. مسئله مذکور، ضرورت توجه بیشتر سیاست‌گذاران و حمایت بیشتر آن‌ها از محصولات زیربخش باغبانی را بیش از پیش آشکار می‌سازد. با توجه به این مهم، مطالعه و بررسی حمایت‌های صورت گرفته در کشورهای توسعه یافته و مقایسه آن با سیاست‌های موجود در ایران می‌تواند راهنمای مناسبی برای سیاست‌گذاران در انجام برنامه‌ریزی‌های صحیح و مناسب به منظور افزایش بهره‌وری تولید این محصولات و قدرت رقابتی آن‌ها در بازارهای جهانی باشد. در این راستا، تحقیق حاضر به مطالعه تطبیقی سیاست‌های حمایتی محصولات باغی در ایران و کشورهای منتخب می‌پردازد.

فصل اول به کلیات تحقیق اشاره دارد. فصل دوم به بررسی وضع موجود محصولات باغی و روند آن طی دهه اخیر می‌پردازد. بدین منظور وضعیت ایران در پنج زیربخش تولید، مصرف، صادرات، واردات و صنایع وابسته طی ده سال اخیر بررسی شد و با کشورهای منتخب مورد مقایسه قرار گرفت. لازم به ذکر است، داده‌های مربوط به تولید محصولات باغی مربوط به دوره ۲۰۰۸-۱۹۹۹، و داده‌های مربوط به مصرف، واردات و صادرات مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۹۸ می‌باشد. نتایج این فصل در بخش تولید نشان‌دهنده عملکرد پایین تولیدات باغی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای مورد بررسی می‌باشد. محاسبه میزان مصرف محصولات باغی منتخب و سرانه مصرف هر یک از آن‌ها در ایران و کشورهای منتخب بر سرانه مصرف بالای ایران در مقایسه با سایر کشورها اشاره دارد که این مسئله می‌تواند به دلیل مصرف نادرست و نیز ضایعات قابل توجه محصولات کشاورزی در این کشور صورت گرفته باشد. همچنین، با توجه به این که در ایران سیاست‌های حمایتی بیشتر در جهت حمایت از مصرف‌کننده به جای تولیدکننده می‌باشد، اعمال این سیاست‌ها را نیز می‌توان به عنوان عامل مؤثر بر مصرف نادرست و سرانه بالای مصرف این محصولات در ایران معرفی نمود. در بررسی صادرات محصولات باغی مشاهده شد، سهم ایران در بازارهای جهانی در خصوص اکثر محصولات مذکور کاهش یافته است. کیفیت پایین محصول تولیدی و یا آلوده بودن آن به سموم، سیاست‌های تجاری نامناسب، بازاریابی ضعیف و مشکلات موجود در زمینه بسته‌بندی این محصولات هر روز بیش از پیش به کاهش قدرت رقابتی ایران در بازارهای جهانی می‌انجامد. نتایج بررسی واردات محصولات باغی بر مزیت نسبی واردات محصولات گرمسیری اشاره دارد. اما در خصوص مرکبات همچون پرتقال با توجه به این که ایران تولیدکننده و صادرکننده این محصول در بازارهای جهانی است، این مسئله دور از ذهن به نظر می‌رسد. بررسی

صنایع وابسته به محصولات باغی نیز نشان داد، عملکرد این صنایع طی دهه اخیر با ضعف همراه بوده است. در فصل سوم، مطالعات داخلی و خارجی در خصوص سیاست‌های حمایتی از محصولات باغی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

در فصل چهارم، با معرفی بخش کشاورزی کشورهای منتخب چین، هند، برزیل، امریکا، اسپانیا، ایتالیا، مکزیک، ترکیه و پاکستان، وضعیت سیاست‌های حمایتی در زیربخش باغبانی ایران و کشورهای مذکور طی دهه اخیر مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرد. بر اساس مطالعات صورت گرفته مشخص شد، محصولات باغی در کشورهای منتخب از حمایت نهاده‌ای کمتری نسبت به محصولات زراعی برخوردار هستند. در اکثر کشورهای منتخب، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های آبیاری جهت تأمین آب کشاورزی با هزینه کمتر صورت می‌گیرد که منتفعان اصلی آن تولیدکنندگان محصولات زراعی می‌باشند. طی سال‌های اخیر، در کشورهای امریکا و اتحادیه اروپا، دولت‌ها از سمت حمایت‌های نهاده‌ای به سمت حمایت‌های درآمدی و ارائه یارانه مستقیم به کشاورزان حرکت کرده‌اند. هر چند، حمایت‌های مذکور در خصوص محصولات باغی قابل توجه نمی‌باشد. در ایران نیز مشابه کشورهای هند و چین، دولت از طریق یارانه به نهاده‌های کشاورزی از تولیدکنندگان بخش کشاورزی از جمله زیربخش باغبانی حمایت نموده است. مقایسه تجربه و عملکرد کشورهای مورد مطالعه در رابطه با سیاست‌های صادرات محصولات باغی نشان داد، کشورهای مکزیک، چین، برزیل و هند از ابزارهای مشوق صادرات و همچنین محدودکننده صادرات استفاده نمی‌کنند. اما این کشورها از شیوه‌های دیگری صادرات را مورد حمایت قرار داده‌اند. ایران نیز از مشوق‌های صادراتی برای برخی محصولات استفاده می‌کند. آن‌چه مقایسه ایران با سایر کشورها در این رابطه مشخص می‌سازد، این است که ایران در مقایسه با سایر کشورهای مورد مطالعه از ابزارهای کمتری برای گسترش صادرات محصولات باغی استفاده می‌کند. همچنین، در نظام تعرفه‌ای ایران از ابزارهای متنوع برای کنترل واردات محصولات باغی استفاده نمی‌شود. این در حالی است که سایر کشورهای مورد بررسی، از ابزارهای بیشتری برای کنترل واردات استفاده می‌کنند. مطالعه و مقایسه سیاست حمایت بازاریابی در ایران و کشورهای مورد نظر نشان داد، هنوز روش بازاریابی محصولات باغی در اغلب کشورها سستی است که برای رفع این مسئله، سیاست‌های مختلفی اعمال و یا در دستور کار دولت‌ها قرار دارد. سیاست حمایت قیمتی در کشورهای چین، پاکستان، مکزیک، اتحادیه اروپا و امریکا شامل محصولات باغی نمی‌شود. همچنین، در کشورهایی که این نوع حمایت از محصولات باغی صورت می‌گیرد، معمولاً طیف وسیعی از محصولات را تحت پوشش قرار نمی‌دهد. در ایران نیز قیمت تضمینی برای تعداد زیادی از محصولات باغی عمده تعیین می‌گردد، اما خرید تضمینی منحصراً برای کشمش، خرما و برگ سبز چای صورت می‌پذیرد. لازم به ذکر است، شیوه‌های حمایت قیمتی از محصولات باغی در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر همچون برزیل محدود است و از تنوع زیادی برخوردار نیست. مقایسه تجارب کشورهای مورد نظر در رابطه با سیاست حمایت از صنایع غذایی مرتبط با محصولات باغی مشخص نمود، کشورهای ایران و پاکستان در مقایسه با کشورهای مورد مطالعه از ابزارهای حمایتی کمتری استفاده می‌کنند. این در حالی است که در ایران با توجه به تأکید بر کاهش ضایعات محصولات باغی در برنامه‌های توسعه، لزوم تنوع‌بخشی به این ابزارها از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. سیاست‌های حمایت بیمه‌ای در کشورهای مورد مطالعه تحت برنامه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که به نظر می‌رسد، این مهم بسته به شرایط جغرافیایی، اقتصادی و وضعیت کشاورزی هر کشور متفاوت است. همچنین، بررسی تجارب کشورها نشان داد، هر چند سال یک‌بار تغییرات و اصلاحاتی در قانون بیمه کشاورزی کشورها انجام شده و همواره در خطرات تحت پوشش، محصولات تحت

پوشش و نوع برنامه عملیاتی بیمه بازنگري‌هایی صورت گرفته است. مقایسه وضعیت بیمه محصولات باغي در ایران با سایر کشورهای مورد بررسی حاکی از وضعیت نسبتاً مطلوب بیمه محصولات باغي در قیاس با برخی کشورها از جمله چین است. این مسئله در تنوع خطرات تحت پوشش و محصولات تحت پوشش نیز به‌طور روشن قابل مشاهده است. با این حال، مسئله مهم و قابل تأمل آن است که هنوز بیمه کشاورزی جایگاه واقعی خود را در بین کشاورزان از جمله تولیدکنندگان محصولات باغي پیدا نکرده است. لذا به نظر می‌رسد، هنوز بتوان از تجارب سایر کشورها در این زمینه استفاده نمود و در برنامه‌های بیمه‌ای تنوع بیشتری را ایجاد نمود. سیاست‌های حمایت اعتباری و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی به لحاظ اقدامات صورت گرفته و همچنین، منابع تأمین مالی نشانگر شرایط منحصر به فردی برای هر کشور است. اما آنچه در این میان شاید بتواند برای بهبود نظام اعتباری کشاورزی ایران موثر باشد، اقدامات و ابزارهای تأمین مالی در کشورهای مورد مطالعه است. شیوه اعطای وام به لحاظ مدت بازپرداخت، نرخ بهره و هدف از پرداخت وام نیز از مواردی است که می‌تواند در کانون توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

در فصل پنجم، پیشنهادها و سیاست‌های عملیاتی مناسب در خصوص هر کدام از انواع سیاست‌های حمایتی متناسب با شرایط زیربخش باغبانی ایران برای حل مشکلات این زیربخش و نیل به اهداف بلندمدت مورد نظر با بهره‌گیری از تجارب کشورهای مورد مطالعه ارائه می‌گردد.

کلمات کلیدی: سیاست، حمایت، کشاورزی، باغبانی، ایران